



مؤسسه
وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ

البيروت - لبنان

تأليف

الفتية الحوزية

الشيخ محمد باقر المجلسي

للتوقفة ١٠٤٠ هـ

محقق

مؤسسه آل البيت - لبنان

پاسخ مؤسسه

«آل البيت»

به نقد چاپ «وسائل الشيعة»

در پی چاپ نقد فاضل محترم جناب آقای عبدالحسین رحمانی بر «وسائل الشيعة»، تحقیق و تصحیح لجنة های تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، از طرف مؤسسه مذکور، پاسخی دریافت کردیم که اینک بدون دخل و تصرف، تقدیم می داریم. به امید نزدیکی دلها و هر چه فسرده شدن صفوف محققان و احیاگران تراث.

نقد کتاب و بررسی تصحیح ها و تحقیق ها یک ضرورت علمی و تحقیقی است و آثار آن بیقین گرانقدر و مفید خواهد بود، به شرط این که منقذ از نقد برای ابراز تعصب و اظهار وجود شمشیر آخته ای نسازد و بایسته و نابایسته را یکسره به تیغ غرض ورزی نبرد و از آن طرف، مؤلفان و محققان و مؤسسات پژوهشی در کار خویش به غرور ننگرند و از عرضه اشتباهها و کاستیها برنیاشوبند و نقد را مجال دهند و بدانند که بگفته سعدی: «متکلم را تا

کس عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد» و همچنین مصحح را و محقق را...

باید اعتراف کرد که هنوز (بویژه در حوزه ها!) نه ناقدان حرمت کتاب و نویسنده و کار و پژوهش را بدرستی پاس می دارند و نه محققان و مؤلفان از سعه صدر کافی برای پذیرش برخوردارند، وگرنه غالباً نقد کتاب در محیطهای درست اندیش علمی به معنای بهادادن به کتاب و ارج نهادن به آن است. بگفته جرجی زیدان: اگر از کتابی نقد و انتقادی به عمل نیاید در عرف عالمان نشانگر بی ارج بودن آن خواهد بود.

بیت

از سوی دیگر منقدان نباید چنان پندارند که چون با صرف ساعتها کاستیهائی را کشف کردند «شق القمر» نموده اند. بگفته کاتب صولی: «المتصفح للكتاب أبصر بمواقع الخلل فيه من منشته».

از این روی، ضمن آن که کار منقدان اگر از سرسوز علمی و به انگیزه حراست از سلامت تحقیق و با ادب علمی و تحقیقی انجام پذیرد گرانقدر و کارآمد خواهد بود و اگر برادرانه عمل کنند بهترین خواهند بود، که حضرت صادق، علیه السلام، فرمود: «أحبُّ إخواني من أهدى إليَّ عيوبي» اما هرگز غرور آفرین نخواهد بود. اینگونه کسان خوب است همیشه سخن صولی را در پیش دید داشته باشند.

مؤسسه آل البیت، علیهم السلام، لإحياء التراث، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سایه نظام گرانقدر جمهوری اسلامی ایران به انگیزهٔ إحياء مآثر فقهی، روایی، تفسیری، رجالی و... شیعه بنیاد نهاده شد و اینک در مدتی کوتاه آثار گرانقدری را عرضه کرده و مورد توجه بینادلان و پاک‌نگران قرار گرفته است. به آنچه آمد معتقد است و هرگز در کار خود به غرور ننگریسته و نه کارش را بی کاستی و عیب تلقی کرده و نه از انتقاد هراسی به دل راه داده و نه ضیق صدر دارد تا در تحمل آنچه نوشته می‌شود برآشوبد و موضع گیرد. از این روی، از نقدهایی که در مجلات وزین آمده استقبال کرده و از نویسندگانش تقدیر کرده است.

اما اینک و در این چند ماه اخیر، نقدهایی بر برخی از آثار تحقیقی مؤسسه نوشته شده است که بر شیوه یاد شده نیست و غرض آلودی در آنها آشکار است. اینک به نقد «نقد وسائل الشیعه» می‌پردازیم تا فرصتی دیگر...
منقد محترم در سطور اول آن آورده اند:

مؤسسه آل البیت، به مصداق ضرب المثل «إذا شاعت لك ذب سلاحك» دست به تصحیح وسائل الشیعه زده است... ۱۳۶/۳۶.

اگر مفهوم مثل را متوجه باشند؛ یعنی پس از دست یافتن به شهرت دست به چنین عملی زده اند. دست اندرکاران مجله حوزه می‌دانند که شروع کار وسائل الشیعه، مقارن شروع عمل تحقیقی مؤسسه است که خبر آن در مجله حوزه، شماره ۷/۱۵۳؛ تراثنا شماره اول/۵۵ آمده است.

خوب، نویسنده محترم مقاله این را نمی دانسته است.

اگر نمی دانسته آیا متوجه نبوده است که تحقیق کتابی به این عظمت خلق الساعه نیست و اگر در پس آن ۵-۶ سال کار باشد این کار به روزهای اول کار مؤسسه کشیده خواهد شد. پس چرا چنین نوشته است؟

و یا می دانسته است، باز هم چرا؟

فإن كنت لا تدري فتلك مصيبة وإن كنت تدري فالمصيبة أعظم
نویسنده در ادامه مقاله کوشیده است تا چنان وانمود کند که مصححان مؤسسه در کار مرحوم آیه الله ربّانی شیرازی بی توجهی کرده اند و تحقیقات وی را به تعبیر ناپسند نویسنده: «یکجا بلعیده اند» ولذا ایشان دست به قلم زده است (پاسخ قسمتی از این مطلب خواهد آمد).

اینک یادآوری می کنیم که هر جا مؤسسه از این کار یاد کرده، از آن مرحوم به بزرگی نام برده و کارش را ستوده ولی به دلایلی که گفته و در این مقال نیز برخی خواهد آمد دوباره را ضروری دیده است. یک نمونه رامی آوریم:

في الوقت الذي نشمن ونكبر الدور الذي خطه آية الله الشيخ عبدالرحيم الرباني بقيامه بتحقيق هذا السفر العظيم وما بذل من جهد جهيد وعمل جبار ومتواصل ودؤوب لاخراج بالشكل اللائق به لکن... (تراثنا، سال اول شماره اول/ ۵۶ و نیز رک: مجله حوزه شماره ۷/ ۱۵۴، مقدمه وسائل الشيعه ج ۱/ ۶۹، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

آیا جناب نویسنده این همه را دیده و چنین وانمود کرده، و یا ندیده و چنین نوشته؟ نویسنده محترم از یکسو می گوید:

منظور من این نیست که چاپ مؤسسه به پایه چاپ ربّانی نمی رسد، بلکه به نظر من بر آن ترجیح دارد.

و از سوی دیگر می نویسد:

حرف من این است که اینمقدار کاری که مؤسسه روی آن انجام داده ایجاب تجدید چاپ آن را نمی کرده است. (حوزه ۳۶/ ۱۳۶)

یعنی چه؟ یعنی وسائل مرحوم ربّانی الی الأبد نیاز به تجدید نظر ندارد؟ این ترجیح و مزیتی که حضرت عالی قائل هستید چیست؟ اگر کسی به تجدید چاپ آن دست یازد

مؤاخذه دارد؟ اگر چاپی دیگر از وسائل با حروف بهتر و اندکی کار بیشتر عرضه شود چه اشکالی دارد که نشان خواهیم داد بیش از این است و این چاپ محقق دوّم ضروری بوده و مواردی را در حد ضرورت یاد می‌کنیم تا عالمانی نیز، غیر از چند طلبه عادی، بر این ضرورت واقف شوند.

مجموعه مطالب این نوشته را در چند مخور می‌آوریم:

۱. مطالب مقدمه که ایشان انتقاد به آن را در پایان آورده است.
۲. آیا تحقیق مؤسسه لقمه چربی بوده از چاپ پیشین که مؤسسه یکجا بلعیده است.
۳. برخی از اغلاط چاپ مرحوم ربانی.
۴. نقد اغلاطی که از چاپ مؤسسه گرفته‌اند.
۵. امتیازات چاپ مؤسسه.

...و

۱. نویسنده با عنوان: «آخرین کلام» مطالبی در رابطه با مقدمه کتاب آورده است و از جمله:

مصطحان، در جلد اول مقدمه مفصلی، بیش از یکصد صفحه، درباره تاریخ تدوین حدیث و شرح حال صاحب وسائل نوشته‌اند که البته آنچه درباره تاریخ تدوین حدیث نوشته‌اند مطلبی تازه ندارد و همه از کتابهای مرحوم شرف‌الدین و ابوریه و مانند آنها اخذ و مرتب شده است. همچنین در شرح حال صاحب وسائل هیچ مطلب تازه‌ای ننوشته‌اند و آنچه در کتب تراجم آمده در این مقدمه با اندکی پس و پیش کردن مطالب آورده‌اند، ولی در بخش معرفی وسائل نکات تازه و خوبی گفته‌اند ولی این معرفی کافی نیست، زیرا همه‌اش مذاحی از کتاب وسائل است و نه تحلیل و نقد آن.

ادعای اینکه مطالب تدوین حدیث همه برگرفته از کتابهای مرحوم شرف‌الدین و... است نکته‌ای است که خواننده با نگاهی گذرا به مقدمه و منابع آن، بی‌پایگی اش را در خواهد یافت. اما باید به نویسنده بزرگوار نقد گفت: مگر مطالب تاریخی و شرح حالی، جز براساس منابع باید نوشته شود؟ افزون بر آنچه در کتب تراجم آمده است چه مطلب تازه‌ای باید در زندگانی شیخ حرّ آورد؟ یعنی اگر حضرت عالی بخواهید مطالب تاریخی بنویسید چه می‌کنید؟

و بگذریم که جناب ناقد به خود زحمت نداده اند تا پایان مقدمه را بنگرند و بدانند که این مقدمه را مصححان ننوشته اند، بلکه دانشمند فرزانه حجّة الاسلام آقای سید جواد شهرستانی، در کنار رسیدگی و اداره مؤسسه آل البیت در سه شعبه (قم، مشهد، بیروت) و مسئولیت مجله وزین تراثنا نوشته و تحسین بینا دلانی از عالمان را برانگیخته اند. خوب است منقد بزرگوار، شرح حالی از مرحوم شیخ حرعاملی بنگارند و مطالبی علاوه بر آنچه در کتب تراجم هست بیاورند تا الگویی باشد بر شرح حال نگاریها و... نویسنده در ادامه مطالب خود می نویسد:

کسانی که درس فقه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، رحمه الله،... شرکت کرده اند می دانند که آن مرد شریف... بارها از وسائل انتقاد می کرد که مرحوم شیخ حرّ در وسائل، احادیث را تقطیع کرده و این را عیب بزرگ و مهم وسائل می دانست و چون مرحوم ربانی متوجه این نکته بوده اند به موارد تقطیع حدیث در چاپ خود اشاره کرده اند (ص ۱۵۷).

این اشکال چیزی نیست که کسی نداند و نیاز به گفتن داشته باشد، با این همه با توجه به شیوه نگارش مرحوم شیخ حرّ و تصریحی که در پایان کتاب آورده اند (ج ۲۰/۳۹۱) این اشکال به ایشان نیز وارد نیست. مرحوم ربانی و دیگر عالمان نیز با توجه به هدایت شخص مؤلف بر این مهم راه برده اند. مصححان مؤسسه نیز بر اساس راهنمایی مؤلف مانند دیگران پیش رفته و موارد تقطیع را یافته اند و قطعاً دقیقتر از آنچه در چاپ پیشین آمده است. اما اشکال دوم که نویسنده می نویسد:

اشکال دیگر وسائل این است که شیخ حرّ، قدس سره، فتوای خود را در عنوان بابها دخالت داده فرموده است باب وجوب فلان و یا حرمه... با این که چه بسا حدیثی که ذیل آن باب نقل می کند به نظر دیگران بر آن مطلب دلالت نداشته باشد.

شگفتا! این نکته ای است که در دیدگاه بسیاری از فقیهان، حسن وسائل است و جالب این است که مرحوم شیخ حرّ به این نکته خود توجه داشته که شاید برخی در آینده بین اجتهاد او و روایات باب، ناهمگونی احساس کنند ولذا از سر دقت نوشته است:

«واعلم انه قد يتفق تخالفاً بين العنوان او الاحاديث في العموم ويكون وجه ملاحظة احاديث اخره او الاعتماد على فهم بقية المقصود من احاديث الباب او غير ذلك فان لم يظهر وجه

یعنی ان یکون العمل بالاحادیث دون العنوان» (ج ۲/۳۹۲).

یادآوری می‌کنیم که: این دو اشکال در مقدمه جامع احادیث الشیعه، آمده است؛ یعنی آنان که در درس مرحوم آیه الله العظمی بروجردی هم نبوده‌اند این را می‌دانند. در اینجا باید اشاره نمود که نویسنده، در پاره‌ای از اشکالات به مقدمه تحقیق پرداخته و از آن انتقاداتی به عمل آورده است در حالی که عنوان مقال نقد تصحیح متن وسائل است. اکنون مجال پرداختن به این اعتراضات نیست چه خود فرصتی دیگر می‌باید، و مجالی فراختر. تنها در اینجا اشاره می‌کنیم که: جناب نویسنده در این موارد، خود تحقیق خاصی انجام نداده‌اند و براساس کتاب این و آن نکاتی را بیان داشته‌اند که برخی مانند تاریخ وفات ملا صالح مازندرانی صحیح است و برخی دیگر چون تاریخ وفات میرداماد نادرست. اکنون به توضیح این نکات نمی‌پردازیم تنها متذکر می‌شویم که خوب بوده حضرت نویسنده خود تحقیق عمیقی در این زمینه‌ها ارائه می‌دادند نه این که معلومات دیگران را به رخ بکشند.

۲. امتیازات چاپ مرحوم آیه الله ربانی:

نویسنده در مقاله، مکرر، از زحمات مرحوم ربانی تجلیل کرده است (که بجاست) و آن را به رخ مصححان کشیده و مطلب دیگری آورده که اینک می‌آوریم و توضیحاتی یاد می‌کنیم:

«زحماتی که مرحوم ربانی... مصحح قبلی وسائل متحمل شده‌اند در این چاپ به نام مصححان مؤسسه آل‌البیت قلمداد شده و کار آن مرحوم هباء منثورا تلقی شده است (۱۳۶) مصححان مؤسسه با اندک زحمتی که متحمل شده‌اند نمی‌بایست زحمات آن مرحوم را بدون اندک اشاره‌ای به آن زحمات و یادی از آن مرحوم، به نام خود ثبت کنند.»

ما پیشتر یاد کرد مؤسسه را از مرحوم ربانی آوردیم و هرگز مصححان بر سر آن نبوده‌اند که کاستیها و نقایص آن را به رخ بکشند، و اگر نکاتی آورده‌اند از باب نمونه بوده است و برای این که کسانی چون حضرت نویسنده نپندارند کار عبثی صورت گرفته است. ولی اینک از باب ضرورت باید مطالبی یادآوری کنیم، تا روشن شود جناب نویسنده از چه منظری می‌نگرند و چگونه قضاوت می‌کنند. آیا انصاف علمی است که بگویند «با اندک

زحمتی؟ اگر این را یک طلبه عادی در مقام مقایسه می گفت، شاید درد آلود نمی بود، ولی کسی که ضمناً می فهماند کرسی دار تدریس است و از کهنسالان فقه و فقاہت! این قضاوت را بر چه مبنایی می کند؟

اینک امتیازات چاپ مرحوم ربانی را می آوریم، با تکیه به آنچه خود آن مرحوم یاد کرده است، تا بنگرند که مصححان چه مقدار از آن را بلعیده اند.

الف: تجزیه وسائل به ۹ جلد:

این تقسیم بندی عملاً مراعات نشده است، چنانکه می دانید وسائل در ۲۰ جلد عرضه شده است. این تصمیم اولیّه آن مرحوم ناهمگونیهای پدید آورده است. دو جلد اول براساس تقسیم بندی ایشان باید یک جلد می شد؛ لذا صفحاتش متوالی است و چنین است ناهمگونی مجلدات در حجم و.. در چاپ مؤسسه تقسیم بندی براساس ویژه ای بنیاد نهاده شده است که به توفیق خداوند به ۳۰ جلد خواهد رسید. پس این امتیاز را مصححان بلعیده اند.

ب: تصحیح کامل با مقابله با مصادر:

در این بخش، کار مؤسسه با کار مرحوم ربانی از بنیاد دوتاست. مؤسسه بر نسخه اصل مؤلف تکیه کرده است. در ارجاع، قریب به اتفاق منابع جدید الطبع هستند. افزون بر اینها، در تصحیح و مقابله مرحوم ربانی کاستیها و اشتباهات فراوانی است که در حدّ ضرورت برخی را خواهیم آورد؛ بنابراین، در این بخش نیز، ادعای منتقد محترم بی وجه است.

ج: شماره گذاری ابواب و اخبار:

این کار مرحوم ربانی در مجلدات وسائل و روشنی پیداست و لکن توضیحات ذیل درباره آن لازم است:

۱. خود مرحوم صاحب وسائل، دقیقاً، در نسخه اصل که معتمد مصححان وسائل بوده است هم ابواب را شماره گذاری کرده و هم احادیث را؛ چنانچه در عکسهای از بعض صفحات در اینجا آورده شده پیداست.

۲. مرحوم ربانی در شماره گذارها اشتباهاتی دارند، بویژه در شماره گذاری احادیث، رجوع شود به: ج ۳/ ۲۴۰، ح ۶ و ۷ که دو شماره دارد و باید یک شماره باشد و...
 ۳. مصححان شماره گذاری را به دقت انجام داده‌اند: اولاً شماره ابواب را برای سریعتر منتقل شدن، در سرصفحه آورده‌اند. ثانیاً، شماره مسلسل برای احادیث گذاشته‌اند. ثالثاً اغلاط شماره گذاری شده را با نسخه مؤلف تصحیح کرده‌اند.
 این است که ترقیم مصححان مؤسسه با چاپ مرحوم ربانی تفاوت دارد. پس این امتیاز را هم نگرفته‌اند، ببخشید نبعلیده‌اند!

د: اعجام احادیث و...

اگر مراد مرحوم ربانی به قرینه «و تشکیها» کلمات حدیث باشد، که این امری است موجود و مرسوم در تمام نسخه‌های چاپی و خطی، با این که در این چاپ اشتباهاتی هم هست، مثل این که: «أبی آیوب الخزاز» بازای قبیل از الف اشتباه و درست آن براساس نسخه مصنف «الخزاز» با را است. و «حنان بن سدير» و نیز «فضاله» بدون تشدید درست است و مانند الصلاة والصادق تشدید نمی خواهد و...

و اگر مراد نقطه گذاری و مراعات امور ویراستاری لفظی است، مانند: ویرگول، پرانتز، گیومه و... با این که این امور آمده است، ولی خالی از اشتباه نیست؛ مثلاً در ج ۲/ ۶۶۷، باب ۳۹ ح ۱ س ۷ «فقال: ثم اغمی علیه» در این عبارت مقول قول «ثم اغمی علیه» تلقی شده است، در حالی که چنین نیست و این عبارت بازگو کننده حالت آن فرد است. متن صحیح چنین است: «فقاله، ثم اغمی علیه» (چاپ مؤسسه، ج ۳/ ۶۶۱).

و در صفحه ۱۰۱۹ ح ۵ س ۲ قال من وراء الثوب، فان صافحك ... که صحیح آن چنین است: قال: «من وراء الثوب، فان صافحك ...» و ج ۲/ ۱۰۳۹ ح ۱۲ س ۴ قال: «مبتدأ ان» که یعنی مقول قول مبتدأ است در حالی که صحیح و «قال مبتدأ: ان» و جز اینها موارد زیاد ...

۵ و ۶: ورق خوب و چاپ جالب و زیبا:

به اعتراف نویسنده در این امتیاز چاپ مؤسسه ممتازتر است (۱۵۸) و تازه بیان مرحوم

ربانی شاید در مورد چاپ اول درست بوده وگرنه چاپهای تاجر مآبانه بعدی هرگز مشمول آن اوصاف نیستند.

۷. تعلیقات و فوائدی که در آن آورده اند:

الف: اشاره به مواضع اخبار در مصادر اولیه:

در این باره، پیشتر توضیح دادیم، تمام آنچه در پانوشتهای چاپ مؤسسه آمده است یکی به یکی با دقت با مصادر مقابله شده و حتی در یک مورد آنچه در چاپ پیشین آمده بدون بازنگری نیامده است و اختلاف طبع قریب به اتفاق مصادر این دو چاپ گویای این مطلب است. اینک باید از نویسنده محترم پرسید با چه جرأتی نوشته اند:

«باید بگویم مرحوم ربانی، حدود ۸۵ درصد از مآخذ را استخراج کرده است، و مؤسسه یکجا این لقمه چرب را بلعیده و این همه زحمت را به نام خود ثبت کرده است و شاید حدود ده درصد علاوه بر مرحوم ربانی استخراج مآخذ کرده است.»

ب: یادآوری موارد احادیث تقطیع شده:

چنانکه پیشتر آوردیم این کار را مؤسسه نیز انجام داده و موارد بسیاری از آنچه را مرحوم ربانی به آن نرسیده بوده اند یاد کرده است.

ج: تبیین «ما تقدم وما یاتی»:

در این موضوع عالمانی تلاشهایی کرده اند که برخی در نوشته نویسنده محترم آمده است، از جمله: کسانی که در این مورد تحقیقاتی داشته اند حضرت آیه الله العظمی خوئی است که گفته می شود مورد استفاده مرحوم ربانی بوده است.

مؤسسه، علاوه بر بهره گیری از تجربه های دیگران، گروهی را نیز برای این امر اختصاص داده بود. یک مقایسه اجمالی کافی است که نشان دهد بسیاری از موارد یاد شده از سوی مرحوم ربانی حذف شده و موارد بسیاری افزوده شده است و کار مجددی انجام داده و لقمه چرب مرحوم ربانی را بلعیده است.

وجه شباهت بین دو تحقیق هم روشن است؛ چون کتاب، موضوع و شیوه کار واحد است.

۴. ذکر موارد تکرار حدیث:

مرحوم ربانی، یادآوری کرده‌اند که احادیث مکرر را آورده و نشان داده‌اند که مکرر است. این کار در تحقیق مؤسسه به هیچ وجه انجام نشده است. این، از اشکالات چاپ مرحوم ربانی است؛ چون اگر حدیثی زائد است و در هیچ نسخه‌ای نیامده است چگونه می‌شود آن را در متن آورد؟ حداکثر کاری که سزاوار است در این موارد انجام شود این است که در پاورقی درج شود با توضیح.

در این موارد، مصححان مؤسسه حدیث را حذف کرده‌اند و تصریح کرده‌اند که از اشتباهات تحقیق مرحوم ربانی است. جناب نویسنده از این کار برآشفته و نوشته است:

«مصححان به عنوان ایراد به چاپ ربانی نوشته‌اند: در چاپ ربانی حدیث ۷ از باب

۱۸ از ابواب صوم مندوب تکرار و اضافه دارد و این تکرار و اضافه غلط است، عجا

عجا (فرزندان عزیز! خود مرحوم ربانی در پاورقی متذکر این نکته شده...» (۱۵۳).

برادر بزرگوار! چرا از فرط تعصب و روشنترین اصول تحقیق را زیر پا می‌گذارید. اشکال

این است که چرا متنی اضافی و بیگانه از اصل وارد متن شود؟ آیا کار مرحوم ربانی که قطعاً درست نیست زمینه استهزاء کار درستی است؟ خوب است کسانی که نه آهنگ تصحیح و تحقیق را دارند و نه حوصله کار تحقیق و تصحیح را، اصول کار بیاموزند.

۵. تصحیح اختلالات متن احادیث یا سند آنها:

اهل فن تحقیق و تصحیح متون می‌دانند که: در کار تحقیق مهمترین هدف باید ارائه متن مؤلف و یا نزدیکترین متن به آن باشد. شرح و توضیح و پانوشتها کمال تحقیق است، ولی از اولیات آن نیست. کتاب وسائل الشیعه کتابی است علمی و محور بحثهای اجتهادی و مورد مراجعه فقیهان و عالمان و مؤسسه سعی بلیغی به کار گرفت تا بهترین متن را عرضه کند و البته از کارهای جنبی و تکمیلی نیز غفلت نکرد.

خود مرحوم مؤلف نیز، خود را ملزم نموده است که حدیث و سند را آنچنان که یافته عرضه کند و به تصحیح متن و ترمیم سند دست نیازد و به آوردن اختلاف نسخه‌ها بسنده کند و حتی اشاره به آن را نیز درست ندانسته تا کتاب طولانی نشود و این همه را وانهاد به شرح کتاب و یا احادیث. این شیوه، شیوه درست تحقیق و تصحیح متون است، که برخی این را

نیز نفهمیده‌اند و بر مرحوم شیخ، خرده گرفته‌اند. در مقدمه و سائل تحقیق مؤسسه در این باب به تفصیل سخن رفته است (ج ۱/۹۳).

اگر مرحوم ربانی در شیوه تحقیق روش دیگر برگزیده است هنیئاً له. مصححان مؤسسه آن شیوه را نپسندیده‌اند؛ لذا چنانکه جناب نویسنده گفته‌اند از این اجتهاد و خبرویت و توضیح‌ها و تعلیقه‌های مرحوم ربانی نیز بهره‌نگرفته‌اند (۱۵۳ و ۱۳۷).
پس این زحمت را هم مصححان مؤسسه نبلییده‌اند.

باری روش این بوده است: دست نزدن به متن مؤلف، و نگاشتن پاورقیهای مفصل و اگر روش جز این می‌شد، شرح صاحب و سائل چاپ می‌شد و یا تحقیقات دیگران و... روش درست این است که پس از به دست دادن متن مؤلف، چنانکه هست، باید محققان را در اجتهاد و رأی آزاد گذاشت و در متن تصرفات من‌عندی نکرد.

حتماً تا اینجا بر جناب نویسنده بزرگوار نقد، روشن شد که هیچ کدام از مزایای تحقیق ربانی بلعیده نشده است. پس بیان جناب ایشان، به چه دلیل است و از سر چه انگیزه‌ای؟

۳. اغلاط چاپ مرحوم آیه الله ربانی:

کاستیها و نارساییها و اغلاط چاپ مرحوم ربانی کم نیست. با توجه به این که کار ایشان با آن امکانات و شرایطی که داشتند کاری بزرگ و جداً شگفت‌آور است، مؤسسه هرگز برای موجه جلوه دادن اقدام خود نمی‌خواست بر نکات یاد شده انگشت نه‌د و نارساییهای املائی، اعرابی، نقطه‌گذاری، مخالف اصلها، مخالف مصدرها و امور دیگری را که به آن چاپ راه یافته بود، به رخ بکشد؛ از این روی، به اشارتی بسنده کرده بود. ولی چه باید کرد که نویسنده مقاله اینک باعث شدند که به اندکی بپردازیم و به ایشان و کسانی که هرگز کار نو و جدی را دوست نمی‌دارند و بگفته‌آن محقق: نه خود کاری می‌کنند و نه از کار دیگران خرسندند، نشان بدهیم که و سائل به تحقیق دیگر نیاز داشت. آن موارد اندک متأسفانه جناب نویسنده را به خشم آورده و نوشته‌اند:

«مصححان مؤسسه مدعی شده‌اند که در چاپ ربانی خطاهایی رخ داده که در چاپ

مؤسسه تصحیح شده است و مواردی ذکر کرده‌اند. (۱۵۳)

روشن بود و روش‌تر خواهد شد که ادعا نیست و عین حقیقت است.

منتقد مدقق نوشته اند:

«غالباً [موارد یاد شده] جزئی و چایی است. مثل این که فرموده اند: در فلان صفحه کتاب حروف جر؛ یعنی: «عن» از چاپ ربانی ساقط شده است و با یک کلمه «لا» افزوده شده است و نظایر این اشتباهات.»

بعید است که جناب ایشان نفهمند که افزون شدن یک کلمه «لا» کاملاً مفهوم جمله را دگرگون می کند و همان حرف جربی مقدار «عن»! اگر از سند بیفتد و یا بر آن اضافه شود کلی دگرگونی در سند به وجود می آید.

اگر این مطلب را نفهمند، اسفا و اندوها و اگر می فهمند و می نویسند باید احتمال بدهند که در بیرون از آن وادی امن تدریس بسیاری نیز هستند که بفهمند و برای حضرت ایشان گران تمام شود. آخر این چگونه نقد نویسی است؟ این نکته عجیب و شگفت آور را آیا یک طلبه عادی نیز نمی فهمد؟ مبدل سازی «لا» جمله را از نفی به اثبات فهمیدنی نیست؟ و تأثیر آن در فتوی روشن نیست؟ شگفتا! باز هم شگفتا! آیا با این همه می شود گفت این نقد از سرسوز علمی و به انگیزه خدمت بوده است!

اینک با عرض پوزش از فضلاء و روح بلند مرحوم آیه الله ربانی برخی از اختلافات متن چاپی آن مرحوم را با مصادر، و اصل متن مؤلف می آوریم و می گذریم:

پیش از ارائه این موارد متذکر می شویم که ما آنچه را که در نسخه مصنف یافتیم در ستون (تحقیق مؤسسه) می آوریم بدون این که به بررسی مطابقت آن با واقع پردازیم؛ زیرا مراد از تصحیح متون ارائه متن مؤلف یا متنی نزدیک به آن است. حال با هم این موارد را مرور می کنیم:

شماره مسلسل	جلد	صفحه	شماره حدیث	سطر	تحقیق مرحوم ربانی	جزء	صفحه	شماره حدیث	سطر	تحقیق مؤسسه
۱	۱	۱۵	۲۷	۱	عن عبدالله	۱	۲۴	۲۷	۲	عن بکر بن عبدالله
۲	۱	۲۱	۷	۲	عبید بن زراره	۱	۳۲	۷	۲	عبید عن زراره
۳	۱	۲۸	۴	۱	الأحمري	۱	۴۰	۴	۱	الأحمر
۴	۱	۳۷	۱۱	۱	الحسين بن	۱	۵۲	۱۱	۲	الحسن بن
۵	۱	۳۷	۱۳	۱	خثيمة	۱	۵۲	۱۳	۱	خثيمة

عن حنيفة	٨	١٣	٥٣	١	عن حنيفة	٧	١٣	٣٨	١	٦
يحيى عن العمركي	٢	١	٧٠	١	يحيى العمركي	٢	١	٥١	١	٧
أحمد بن محمد بن خالد	٧	١٠	٨٨	١	أحمد بن خالد	٩	١٠	٦٥	١	٨
زياد	١	١٥	٩٠	١	زيد	١	١٥	٦٧	١	٩
لخينة	٣	٢٢	٩٣	١	لخينة	٣	٢٢	٦٩	١	١٠
فليتقوا	٣	٥	٩٧	١	فليتقوا	٦	٥	٧٢	١	١١
عمرو	٢	٢	١٠٦	١	عمر	٢	٢	٨٠	١	١٢
سعيد	٢	١٧	١٢٣	١	سعد	٢	١٧	٦٥	١	١٣
ولم تنفعه التوبة	٤	١٩	١٢٤	١	ولم تنفعه التوبة	٤	١٩	٩٦	١	١٤
(١٩) ابواب الأعمال المستوندة	٢٠		١٣١	١	(عنوان نيامده است)	٨		٩٩	١	١٥
عن الحكم	٢	٦	١٤٤	١	عن الحكم	٢	٦	١٠٧	١	١٦
الدم قطراً	٣	١	١٥٠	١	الدم قطعاً	٣	١	١١٢	١	١٧
عن أحمد	٣	٥	١٧٢	١	وعن أحمد	٦	٥	١٢٦	١	١٨
عثم	٢	١٢	١٧٣	١	عثم	١	١٢	١٢٨	١	١٩
عثم	١	١٩	١٧٦	١	عثم	١	١٩	١٢٩	١	٢٠
عثم	٥	٨	١٨٩	١	عثم	٤	٨	١٣٩	١	٢١
عثم	٣	٩	١٩٠	١	عثم	٥	٩	١٣٩	١	٢٢
الحسن	٢	٣	١٩٩	١	الحسين	٢	٣	١٤٥	١	٢٣
مخراً	٢	٥	١٩٩	١	منجراً	٢	٥	١٤٥	١	٢٤
ولا تغسلوا	٤	٢	٢٠٧	١	ولا تغسلوا	٣	٢	١٥٠	١	٢٥
في الشمس	٣	٣	٢٠٨	١	بالشمس	٣	٣	١٥١	١	٢٦
عن أحمد بن محمد عن موسى	١	١	٢١٦	١	عن أحمد بن موسى	١	١	١٥٦	١	٢٧
يصيب	٣	١	٢١٦	١	يصيبه	٢	١	١٥٦	١	٢٨
الحسن	٣	١	٢١٧	١	الحسين	٤	١	١٥٧	١	٢٩
اقول: الظاهران	٥	٣	٢٢٢	١	أقول: أن	٤	٣	١٦١	١	٣٠
عن الفضل أبي العباس	١	٤	٢٢٦	١	عن الفضل عن العباس	١	٤	١٦٣	١	٣١
من ظنه	٣	٣	٢٣٠	١	ما ظنه	٦	٣	١٦٥	١	٣٢
عمر	٢	١٠	٢٥٤	١	عمرو	٢	١٠	١٨١	١	٣٣
عن أحمد بن الحسن	١	٥	٢٥٩	١	عن أحمد بن الحسن	١	٥	١٨٤	١	٣٤
بن علي بن فضال					عن علي بن فضال					

ورواه ابن ادریس ... بعد	۱۱	۲۶۱	۱	ورواه ابن ادریس ... بعد	۱۱	۱۸۵	۱	۳۵
از حدیث ۵ آمده است				از حدیث ۴ آمده است				
عن الحسن اخیه	۱	۲۶۳	۱	عن الحسن عن اخیه	۱	۱۸۶	۱	۳۶
یسح	۳	۲۸۷	۱	یسس	۳	۲۰۳	۱	۳۷
انقت	۴	۲۹۲	۱	ایقت	۴	۲۰۶	۱	۳۸
الحسین بن یزید النوفلی	۲	۳۱۴	۱	الحسین بن یزید عن النوفلی	۲	۲۲۱	۱	۳۹
ورواه الكلینی عن محمد بن یحیی	۵	۳۲۵	۱	ورواه الكلینی عن محمد بن یعقوب	۵	۲۲۹	۱	۴۰
محمد بن موسی بن المتوکل	۷	۳۲۸	۱	محمد بن موسی المتوکل	۴	۲۳۱	۱	۴۱
ما بقی علی	۵	۳۴۴	۱	ما بقی من	۴	۲۴۳	۱	۴۲
و ابن ابی نجران	۲	۳۴۸	۱	عن ابن ابی نجران	۲	۲۴۶	۱	۴۳
محمد بن علی ماجیلویه	۱	۳۸۰	۱	محمد بن ماجیلویه	۱	۲۶۷	۱	۴۴
محمد بن الحسن	۱	۴۱۴	۱	محمد بن الحسن	۱	۲۹۱	۱	۴۵
التشبه	۷	۴۴۲	۱	الثلاث	۵	۳۱۱	۱	۴۶
عن علی بن ابراهیم بن المعلی	۳	۴۴۹	۱	عن علی بن ابراهیم المعلی	۲	۳۱۶	۱	۴۷
علیه ما لا یصل	۴	۴۶۵	۱	علیه الا ما لا یصل	۴	۳۲۷	۱	۴۸
عن ابن ابی نجران	۱	۸۲	۲	عن ابی نجران	۱	۳۴۸	۱	۴۹
عن ابراهیم بن ابی البلاد	۲	۱۲	۲	عن ابراهیم بن ابی البلاد عن ابی جعفر (ع)	۲	۳۵۱	۱	۵۰
عن ابیه یحیی ابی البلاد عن ابی جعفر (علیه السلام)								
سماک	۲	۲۱	۲	سماک	۲	۳۵۷	۱	۵۱
عن منصور بن العباس	۱	۲۳	۲	عن منصور العباس	۱	۳۵۸	۱	۵۲
عن ابن حبله	۳	۲۵	۲	عن ابن حبله	۳	۳۵۹	۱	۵۳
عن ماء الحمام	۳	۳۸	۲	عن الحمام	۲	۳۶۷	۱	۵۴
عبدالله	۱	۶۸	۲	عبدالله	۱	۳۸۸	۱	۵۵
ابن ابی عمیر	۷	۱۰۴	۲	ابن عمیر	۳	۴۱۵	۱	۵۶
احمد بن ابی عبدالله	۱	۱۰۵	۲	احمد بن ابی عبدالله	۴	۴۱۵	۱	۵۷
عن عبدالله بن محمد النهیکی				بن محمد النهیکی				

بالشاب ووقار بالشیخ	۲	۱۰	۱۰۷	۲	للشاب ووقار بالشیخ (للشیخ ظ)	۲	۱۰	۴۱۷	۱	۵۸
بالونا، وهو الضعف	۳	۳	۱۲۰	۲	بالوفاء وهو الضعيف	۲	۳	۴۲۵	۱	۵۹
سهل بن زیاد عن جعفر بن محمد	۱	۲	۱۴۷	۲	عن سهل بن زیاد عن سهل (جعفر بن محمد)	۱	۲	۴۴۴	۱	۶۰
یری و بیضه	۳	۴	۱۴۹	۲	یری و بیضه	۲	۴	۴۴۵	۱	۶۱
یری و بیض	۲	۶	۱۵۰	۲	یری و بیض	۲	۶	۴۴۶	۱	۶۲
علی الحلبي	۲	۶	۱۷۵	۲	علی بن الحلبي	۲	۶	۴۶۳	۱	۶۳
(العلل) عن ابيه عن علی بن ابراه	۹	۳	۱۹۵	۲	(العلل) عن علی بن ابراهيم	۸	۳	۴۷۸	۱	۶۴
بیلل	۳	۴	۱۹۹	۲	بیلل	۳	۴	۴۸۰	۱	۶۵
عن زرارة ومحمد عن أبي جعفر، «ع»	۲	۴	۲۱۶	۲	عن زرارة عن أبي جعفر «ع»	۲	۴	۴۹۳	۱	۶۶
أبي المغرا عن علي	۱	۷	۲۲۲	۲	ابی المغرا عن العبد الصالح عليه السلام	۱	۷	۴۹۷	۱	۶۷
عن العبد الصالح «ع»										
حيضها	۳	۱	۲۷۱	۲	حيضها	۳	۱	۵۳۴	۲	۶۸
فمكنت	۴	۳	۲۷۴	۲	فمكنت	۳	۳	۵۳۶	۲	۶۹
بها الدم بعد ذلك تركت	۳	۶	۲۹۱	۲	بها الدم تركت	۳	۶	۵۴۹	۲	۷۰
باب جواز تقدم ...	۱۵	باب	۳۰۵	۲	باب جواز تقدم ...	۱۵	باب	۵۶۰	۲	۷۱
ذلك صفرة فلتوض	۴	۱	۳۰۹	۲	ذلك فلتوض	۴	۱	۵۶۲	۲	۷۲
الطهارة، وادائها أو أداء ركعة	۴۹	باب	۳۶۱	۲	الطهارة واداء ركعة	۴۹	باب	۵۹۸	۲	۷۳
ثبوت من الجنة	۶	۶	۴۱۶	۲	ثبوت من الجنة	۴	۶	۶۳۴	۲	۷۴
عن المصيبة ... بترك	۵ و ۴	۶	۴۳۶	۲	من المصيبة ... بترك	۳ و ۲	۶	۶۵۰	۲	۷۵
سعيد بن غزوان	۲	۴	۴۳۸	۲	سعيد بن غزوان	۲	۴	۶۵۱	۲	۷۶
الرقبي	۱	۳	۵۱۳	۲	البرقي	۱	۳	۷۰۲	۲	۷۷
الكفن فريضته	۳	۷	۸	۳	الكفن فريضته	۲	۷	۷۲۷	۲	۷۸
عن الرجل يموت	۱	۲۰	۱۲	۳	عن الميت يموت	۱	۲۰	۷۳۰	۲	۷۹
باب إجراء صلاة النساء	۲۵	باب	۱۱۷	۳	باب جواز صلاة النساء	۲۵	باب	۸۰۳	۲	۸۰
ورواه الصدوق مرسلًا وزاد:	۴	۱۱	۱۳۷	۳	ورواه الصدوق مرسلًا ورواه الشيخ ..°	۳	۱۱	۸۱۷	۲	۸۱

در اینجا بر اثر غلط بودن نسخه، وعدم مراجعه به اصل و مصدر، مرحوم ربانی به غلط «للشیخ» را استظهار کرده، و در متن آورده است.

ولا يتأذى به الاحياء بريحه	٣	١	١٤١	٣	ولا يتأذى الاحياء بريحه	٣	١	٨١٩	٢	٨٢
ثم تمر حتى ترجع	٤	٥	١٥٦	٣	ثم تمر عليه حتى ترجع	٣	٥	٨٣٠	٢	٨٣
المسائل الغرية	١	٥	١٦٣	٣	المسائل الغرية	١	٥	٨٣٤	٢	٨٤
والناس صنعها	٨	٦	١٦٣	٣	والناس من صنعها	٣	٦	٨٣٥	٢	٨٥
وتكرار الرش اربعين يوماً	٣٢	باب	١٩٥	٣	وتكرار الرش اربعين شهراً أو اربعين يوماً	٣٢	باب	٨٥٩	٢	٨٦
على ابنه بعد النضح	١	٥	١٩٩	٣	على لينة بعد النضح	٣	٥	٨٦١	٢	٨٧
الخيزراني	٣	٣	٢٠٣	٣	الخيزراني	٢	٣	٨٦٤	٢	٨٨
(المزار) عن محمد بن الحسين	١	٣	٢٢٤	٣	(المزار) عن محمد بن أحمد	١	٣	٨٧٩	٢	٨٩
عن محمد بن أحمد										
الى القبلة فجرت به السنة وأنه	٢	٢	٢٣١	٣	الى القبلة وأنه	١	٢	٨٨٥	٢	٩٠
وعن محمد بن اسماعيل	١	٣	٢٤٧	٣	عن محمد بن اسماعيل	١	٣	٨٩٦	٢	٩١
فانها من اعظم المصائب	٣	٦	٢٦٨	٣	فانها ستهون عليه	٢	٦	٩١٢	٢	٩٢
على أنك	٣	٥	٢٧٠	٣	الا انك	٣	٥	٩١٣	٢	٩٣
وغسل من غسل الميت واجب	٦	٣	٣٠٤	٣	وغسل من مس الميت واجب	٦	٣	٩٣٧	٢	٩٤
ابراهيم بن اسحاق الاحمري	١	١٤	٣٠٨	٣	اسحاق بن ابراهيم الاحمري	١	١٤	٩٤٠	٢	٩٥
عن محمد بن عبدالله	٤	٣	٣١٢	٣	عن محمد بن عبدالله بن المغيرة	٣	٣	٩٤٣	٢	٩٦
وعبدالله بن المغيرة										
عن ابيه عن محمد بن يحيى	١	١	٣٥٢	٣	عن ابيه محمد بن يحيى	١	١	٩٧١	٢	٩٧
وفي حديث الحلبي عنه «ع»:	٣	٤	٣٧٨	٣	...	٢	٤	٩٨٩	٢	٩٨
فاذا ونجد ماءً فليغتسل										
في الثوب يعلم ان فيه جنابة	١	١٠	٤١٤	٣	في الثوب ولم يعلم ان فيه جنابة	١	١٠	١٠٠٧	٢	٩٩
هل يصلح له ان	٢	١٠	٤٠٤	٣	هل يصلح ان	٢	١٠	١٠٠٧	٢	١٠٠
اذا عرق اصاب	٢	١٠	٤٠٤	٣	اذا عرف فيه اصاب	٢	١٠	١٠٠٧	٢	١٠١
فاصاب ثوبه شي	٣	٤	٤٢٤	٣	فاصاب ثوبه مني	٢	٤	١٠٢٢	٢	١٠٢
البزاق	٣	٦	٤٢٧	٣	البصاق	٢	٦	١٠٢٤	٢	١٠٣
حتى يغسل	٤	٧	٤٧٠	٣	حتى تغسله	٤	٧	١٠٥٦	٢	١٠٤
عن الفضيل بن يسار عن أبي عبدالله	٣	١	٥١٠	٣	عن الفضيل بن يسار قال:	٢	١	١٠٨٦	٢	١٠٥
«ع» قال: سألت ابا عبدالله «ع»					سألت ابا عبدالله «ع»					

فروغكي اجنماعي

من سرق من صلاته	٦	٢	٣٦	٤	من سرق من صلاته	٥	٢	٢٤	٣	١٠٦
الف ليلة الف ركعة	٤	٧	٩٩	٤	الف ليلة كل ليلة الف ركعة	٣	٧	٧٣	٣	١٠٧
عن الحسن بن عبد الله	٢	٣	١٠٣	٤	عن الحسين بن عبد الله	٢	٣	٧٦	٣	١٠٨
عن احمد بن ابي بسر	١	١٥	١٢٨	٤	عن أحمد بن ابي بشير	١	١٥	٩٤	٣	١٠٩
ثم ليصل العصر	٤	١٨	١٢٩	٤	ثم يصل العصر	٤	١٨	٩٤	٣	١١٠
سلمة بن الخطاب	١	٥	١٣٢	٤	سلمة الخطاب	١	٥	٩٧	٣	١١١
علي بن محمد بن يزيد القمي	٢	١٤	١٥٥	٤	علي بن محمد بن زيد القمي	٢	١٤	١١٣	٣	١١٢
جعلت الصلوات	٣	١١	١٥٩	٤	جعلت الصلاة	٢	١١	١١٧	٣	١١٣
سقال	٢	١٥	١٧٧	٤	سقال	١	١٥	١٢٩	٣	١١٤
عن عمرو بن ابي نصر	٢	٣٠	١٨٣	٤	عن عمرو بن ابي نصر	٢	٣٠	١٣٣	٣	١١٥
عن سعد بن محمد	١	٨	٢٠٤	٤	عن سعد بن محمد	١	٨	١٤٩	٣	١١٦
الطعام على	٣	١	٢٠٩	٤	الطعام والشراب على	٢	١	١٥٢	٣	١١٧
ادرك العصر	٢	٥	٢١٨	٤	أدرك الشمس	٢	٥	١٥٨	٣	١١٨
ابي الزبير	٣	٤	٢٢١	٤	الزبير	٣	٤	١٦١	٣	١١٩
سويد بن سعيد الاتباري	١	٧	٢٢٢	٤	سويد بن سعد الاتباري	١	٧	١٦١	٣	١٢٠
عبدان بن الفضل	٢	١١	٢٣٤	٤	عبدان الفضل	١	١١	١٧٠	٣	١٢١
الشيبياني	١	٨	٢٣٧	٤	السناني	٨	٨	١٧٢	٣	١٢٢
وصفت	٥	٩	٢٣٧	٤	وصفت	٤	٩	١٧٢	٣	١٢٣
ثلث الليل الاخير	١	٥	٢٤٩	٤	الثلث الليل الأخير	٤	٥	١٨٠	٣	١٢٤
اطعناه... فاطعناه	٥،٤	١٤	٣٠٢	٤	اطعنا... فاطعنا	٥،٤	١٤	٢١٩	٣	١٢٥
من لم يقم صلبه فلا صلاة له	٢	٣	٣١٣	٤	من لم يقم صلبه في صلاته فلا صلاة له	٤	٣	٢٢٧	٣	١٢٦
على راحته	٣	٥	٣٢٦	٤	على راحلة	١	٥	٢٣٨	٣	١٢٧
وعلى قباء	٢	٢	٣٦٣	٤	وعلى عباء	٢	٢	٢٦٣	٣	١٢٨
الحسن بن راشد	٢	٩	٣٦٥	٤	الحسين بن راشد	١	٩	٢٦٥	٣	١٢٩
أبان الاحمر	٢	٣	٣٦٨	٤	ابان الأحمر	٢	٣	٢٦٧	٣	١٣٠
عن محمد بن الحسن	٥	٥	٣٦٩	٤	عن محمد بن الحسين	٤	٥	٢٦٧	٣	١٣١
لا تلبسوا	٢	٥	٣٨٣	٤	لا تلبس	٢	٥	٢٧٨	٣	١٣٢
محمد بن الفضل	٢	٩	٣٨٥	٤	محمد بن الفضل	٢	٩	٢٨٠	٣	١٣٣
عن أحدهما «ع»	٣	٢	٣٩٠	٤	عن ابي عبد الله «ع»	٢	٢	٢٨٣	٣	١٣٤

بها	۴	۳	۴۲۷	۴	بهما	۴	۳	۳۱۰	۳	۱۳۵
الرجل هل يصلح ان يصلی	۵	۳	۴۶۱	۴	الرجل يصلی	۴	۳	۳۳۷	۳	۱۳۶
عیشم بن أسلم	۲	۲	۴۶۲	۴	عیشم بن اسلم	۲	۲	۳۳۸	۳	۱۳۷
الحسن بن المختار	۱	۱۱	۶۰	۵	الحسن بن المختار	۱	۱۱	۳۸۱	۳	۱۳۸
احمد بن ادريس عن	۴	۳	۷۰	۵	احمد بن ادريس عن محمد	۵	۳	۳۸۷	۳	۱۳۹
محمد بن يحيى عن					بن احمد					
محمد بن احمد										
عن احمد عن الحسن بن	۱	۲	۸۸	۵	عن احمد بن الحسن بن أبي	۱	۲	۴۰۱	۳	۱۴۰
ابي الحسن					الحسن					
الحسين بن سعيد	۱	۷	۱۵۱	۵	الحسن بن سعيد	۱	۷	۴۴۸	۳	۱۴۱
على قبر	۲	۸	۱۶۰	۵	على قبره	۲	۸	۴۵۴	۳	۱۴۲
ظريف	۱۴	۱	۱۹۷	۵	ظريف	۱	۱	۴۸۱	۳	۱۴۳
الحسن بن علي	۲	۱	۱۹۸	۵	الحسن بن علي	۴	۱	۴۸۱	۳	۱۴۴
ظريف	۶	۳	۱۹۸	۵	ظريف	۵	۳	۴۸۱	۳	۱۴۵
السلطان	۵	۲	۲۵۲	۵	الشیطان	۵	۲	۵۲۱	۳	۱۴۶
اختيار المسجد	۶۴	باب	۲۸۹	۵	اختيار الصلاة في المسجد	۶۴	باب	۵۵۰	۳	۱۴۷
الحسن الطبرسي	۱	۶	۳۲۴	۵	الحسن بن الطبرسي	۱	۶	۵۷۷	۳	۱۴۸
الحسن الزيات	۲	۴	۳۳۶	۵	الحسن بن الزيات	۲	۴	۵۸۶	۳	۱۴۹
عن ابيه عن علي بن	۱	۱	۳۴۱	۵	عن ابيه عن النوفلي	۱	۱	۵۹۱	۳	۱۵۰
ابراهيم عن ابيه عن النوفلي										
التمرة	۳	۹	۳۴۵	۵	التمرة	۳	۹	۵۹۳	۳	۱۵۱

به این مقدار، که نگاه می بود به سه جلد، بسنده می کنیم و یاد آوری می کنیم که تحقیق مؤسسه همه این موارد را مطابق اصل آورده است.

در تمامی این موارد، نسخه مرحوم ربانی هم با اصل و هم با مصدر مخالف است. اما اختلاف تحقیق پیشین با یکی از این دو فزونتر از آن است که اندکی نیز زیاد شود؛ لذا این مقدار کافی است (لمن كان له قلب)!

جناب نویسنده اینک بنگرند که در ۲۰ جلد، بویژه جلدهای پایانی که وضع نابهنجارتر

است، اگر این همه اشتباه باشد، چاپ دیگری را الزامی نمی‌ساخت؟ آنگاه کلام ایشان که:

«رخ دادن این تعداد خطا در ۲۰ جلد وسائل طبیعی و عادی است.» (۱۵۳).

چه توجیهی دارد؟

و اینک که مصححان مؤسسه این همه اغلاط را از کتاب زدوده‌اند و تمام آن را با متن و اصل مصادر، به دقت، مقابله کرده‌اند و به این چاپ دست زده‌اند، کارشان درست است یا بیان جناب نویسنده که می‌گوید:

«حرف من این است که این مقدار کاری که مؤسسه روی آن انجام داده ایجاب

تجدید چاپ آن را نمی‌کرده است.» (۱۳۶)

نه برادر بزرگوار! همه دانند حتی طلبه‌های عادی، فضلاً عن غیر عادی، که ایجاب می‌کرده است. ف (ارجع البصر کرتین).

۴. اغلاط تحقیق مؤسسه:

هیچ محقق، نویسنده و یا مؤسسه‌ای نمی‌تواند ادعا کند، آنچه عرضه می‌کند پیراسته از کاستیها، نارسائیها و ناهنجاریهاست. بیقین وسائل چاپ مؤسسه نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. حتماً در مجموعه آن اغلاطی راه یافته است، ولی قطعاً اغلاط آن به مراتب کمتر از چاپ پیشین است؛ از سوی دیگر نیز روشن است که غلطهای چاپی متأسفانه امروز عرض عام تمام آثار چاپ شده است، از این روی، تعداد اندکی غلط چاپی را از حدود سه هزار صفحه، به رخ کشیدن نه با انصاف علمی می‌سازد و نه با صداقت تحقیقی. نویسنده محترم، با تلاش فراوان، به تعداد اندکی غلط چاپی در ۶ جلد دست یافته و سه صفحه از مجله را با آنها اشغال کرده است. از اینها بگذریم و به اغلاط علمی جناب نویسنده پردازیم:

شماره ۲: آنچه آمده است عین خط مؤلف است. مصححان آن را به مدارک عرضه کرده‌اند، ولی توضیح نداده‌اند که: «العاقل تکفیه الإشارة» صفحه مدارک نیز دقیقاً آمده است تا امثال جناب نویسنده به راحتی بنگرند و به رخ مصححان بکشند. (ر. ک تصویر شماره ۱)

شماره ۴: این روایت بعینه با همین سند در وسائل چاپ ربانی هم آمده است. چرا فقط این چاپ مورد حمله است. ثانیاً جناب نویسنده، چرا دنباله ماجرا را نیاورده‌اند. شیخ

می فرماید:

«ورواهما الشيخ باسناده عن محمد بن يعقوب الآ انه ترك ذكر علي بن ابي حمزه. وكذلك المحقق في المعبر نقلًا عن كتاب الحسين بن سعيد». (وسائل چاپ مؤسسه، ج ۲/۳۵۳).
یعنی جناب نویسنده به دنبال بیان شیخ توجه نکرده اند و نسبت اشتباه بزرگ را با شگفتی به مصححان داده اند.

نه برادر، این کلام شیخ به وضوح می گوید شیخ حدیث را با حذف «علی بن ابی حمزه» نقل کرده؛ یعنی در نسخه کافی محمد بن یعقوب بوده ولی شیخ نیاورده، پس نسخه کافی، که در دست صاحب وسائل بوده، «علی بن ابی حمزه» داشته است. حال اگر مصححان به توصیه حضرت عالی عمل می کردند این کلام شیخ حر را باید چه می کردند؟ حتماً توصیه می فرمایند حذف می کردند!

با این همه، چشم بسته قضاوت کردن آیا نویسنده از ادامه جملاتش شرم نمی کند! آیا سند کافی نیز مانند نسخه شیخ حر بوده و حذف علی بن ابی حمزه از سند اشتباهی بوده است که مصحح کافی مرتکب شده است؟ مصححان مسؤول تصحیح متن وسائل هستند بر اساس معتمدترین نسخه ای که از مؤلف است، (ر. ک تصویر شماره ۲) نه چیزهایی دیگر، ای کاش قلم داران، اندکی آیین تحقیق هم می دانستند.
۵. نوشته اند:

«درج ۴/۵۰ ح ۷ چاپ مؤسسه آمده است: عن محمد بن ابی حمزه عن عبد الله بن مسکان،

عن ابی جعفر علیه السلام... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و مرقوم فرموده اند:

«این سند نیز مخدوش است؛ زیرا عبدالله بن مسکان...» (۱۴۲).

این سند به همین شکل در چاپ مرحوم ربانی هم آمده است: ج ۳/۳۲۷ باب ۵ ح ۷.

ایشان بر اساس مبنای تصحیحی خود این اشکال را یادآوری کرده اند؛ اما مصححان مؤسسه به عللی که یاد شد بر این مبنی نیستند؛ بنابراین، وقتی سندی بعینه از روی خط مؤلف نگاشته می شود، اشکال متن است و نه مصحح. باری اگر خط مؤلف واضح نباشد و احتمال اشتباه رود، آنگونه که جناب نویسنده گفته اند، یادآوری می شود و نه همه جا، فتدبر.

۶. مرقوم فرموده اند:

«درج ۴/۳۴۹ ح ۷: شیخ حر حدیثی را به شیخ صدوق نسبت می دهد و مصححان به ۱۷۵

تهذیب و استبصار شیخ ارجاع داده‌اند و دچار تهافت و تناقض بین متن و پاورقی شده‌اند... در چاپ ربانی ج ۳/۲۵۳، توضیحی در این باره آمده است و ایشان دچار این تهافت نشده‌اند». (۱۴۲).

مرحوم ربانی فرموده‌اند، این اشتباه یا از مؤلف است و یا از نسخ. نسخه خطی مؤلف چنان است که در متن هر دو چاپ آمده است؛ اما با اندکی دقت روشن می‌شود که نسبت این اشتباه به شیخ حرّ هم روا نیست. شیخ نگفته محمد بن علی بن الحسین باسناده، بلکه نوشته باسناده، مرجع ضمیر در اینجا شیخ طوسی است، نه شیخ صدوق، با مراجعه به نسخه اصل منشاء اشتباه روشن می‌گردد (ر. ک تصویر شماره ۳) توضیح آن که: روایت شماره ۷، در حاشیه نسخه اصل افزوده شده است در این نسخه چندین عبارت دیگر نیز در حاشیه افزوده شده عبارتی از متن نیز قلم گرفته شده است با توجه به این کاستن و افزودنهای بدرستی معلوم نیست که روایت شماره ۷، می‌بایست در کدام قسمت از متن وارد گردد. اگر چنانچه ظاهر نسخه نشان می‌دهد قبل از کلمه «اقول» وارد متن شود، این اشکال ایجاد می‌گردد که ضمیر «باسناده» به روایت پیشین ارجاع داده نشده بلکه به یک روایت قبل از آن باز می‌گردد. ترتیب طبیعی آن است که: این روایت پیش از روایت شماره ۶، افزوده گردد چنانچه در عکس نسخه اصل دیده می‌شود فهمیدن این نکته از خط مؤلف دشوار است به هر حال، اشکال از دشواری بازخوانی نسخه مؤلف ناشی گردیده است و از سوی دیگر در تحقیق مرحوم ربانی نیز این اشکال حل نشده است.

۷. مرقوم فرموده‌اند:

«متوجه نشده‌اند که رمز «ق» قاموس است». (۱۴۳).

این که موارد دیگر «ق» را القاموس نوشته‌اند روشن است که متوجه بوده‌اند.

و در اینجا لازم به ذکر است که جناب نویسنده هر چه می‌یابد از حواشی است و گویا نصیحت کهن حوزه‌ها را فراموش کرده است که: «علیکم بالمتون لا بالحواشی» مطالب شیخ حرّ که از حواشی نسخه نقل می‌شود داعی بر تخریب نبوده و اگر گاهی تخریب شده یا داعی بر تخریب بوده مانند شماره ۲ و یا بر خلاف شیوه تصحیح برخی مصححان انجام داده‌اند. ولی مته روی خشخاش نهادن جناب نویسنده برای تکثیر اشکال قابل تحسین است!

۸. نوشته‌اند:

«در جلد ۳ از شیخ حرّ حاشیه‌ای آمده است بدین مضمون: شیخ بهاء الدین گفته

است: این روایت را در کتابهای مشهور حدیث مسنداً نیافتیم و این از وی عجیب است...»

مپس افزوده اند:

«مصححان مأخذ این حرف شیخ بهاء الدین را که ظاهر منظور شیخ بهائی است مشخص نکرده اند، ولی شیخ بهائی نه تنها به حدیث مورد نظر برخورد کرده، بلکه درباره آن مفصلاً بحث کرده است...»

در اینجا باید متذکر شویم که روش کار استخراج مصادر حواشی نبوده است؛ از سوی دیگر، اگر شیخ بهائی به حدیث مورد نظر برخورد کرده باشد این اشکال بر فرض صحت به شیخ حرّ برمی گردد و نه به مصححان.

۹. در بخش مقدمه به آن اشاره کرده ایم.

۱۰. مرقوم فرموده اند:

«با این که درج ۱/۱۰۴ آمده است «لجنه ای مخصوص استخراج مأخذ بوده است.»

نه نویسنده بزرگوار! لجنه ای برای تخریح احادیث بوده است و نه مطلق مأخذ.

از سوی دیگر، تمام موارد نویسنده محترم در هر دو بخش، مطالب حواشی منقول از شیخ حر است که بارها به دلیل عدم تخریح آنها اشاره کردیم.

ایشان می فرمایند:

«بخش اول: مصادری که ما پیدا کرده و اینجا می آوریم و بخش دوم مصادری که ما

نیز در این مقاله مشخص نکرده ایم.»

بخش نخست چیست؟ مصادری که در وسائل به نام آنها تصریح شده و جناب نویسنده

زحمت استخراج آنها را متحمل شده اند! *قال جامع علوم انسانی*

وقتی در عبارت آمده است «خلاصة الرجال» نشان دادن صفحه آن چه زحمتی دارد

و انگهی حضرت عالی چرا «و کذا کتب الرجال» را تخریح فرموده اید.

آنان که با کارهای مؤسسه آشنایند، می دانند که در متون فقهی حتی اقوال بالأشارة را

نیز استخراج کرده اند؛ یعنی از استخراج این مجموعه عاجز نبوده اند؛ اما بنابراین نبوده است،

اقا کو انصاف!

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header, written in a cursive script.

X

Main body of handwritten text in a cursive script, arranged in several horizontal lines. The text is dense and appears to be a continuous passage.

Vertical marginal notes on the right side of the page, written in a smaller cursive script. These notes appear to be commentary or additional information related to the main text.

۵. امتیازات تحقیق مؤسسه:

امتیاز تحقیق مؤسسه بر تحقیق مرحوم ربانی ناگفته پیداست. برخی از عالمان و ققیهان قم، در ضمن اظهار نظر خود، فرموده اند: «این دو چاپ از دو مقوله اند».

نویسنده محترم نیز به برخی از این موارد اعتراف کرده است (۱۳۶ و ۱۵۸).

و بهره‌وری چاپ مؤسسه از آخرین و بهترین شیوه تصحیح و تحقیق و ویرایش و پردازش متن، جز بر متعصبان حق پوش قابل انکار نیست. اما جناب نویسنده در ادامه مقاله می‌کوشد تا این امتیازات را نیز یکسر انکار کند و لذا می‌نویسد:

«مصححان مؤسسه در مقدمه جلد اول، ۱۰۳-۹۹ دلایلی را برای تجدید چاپ و

تصحیح مجدد وسائل و امتیازات چاپ خود بر چاپ ربانی بر شمرده‌اند که ذیلاً آنها را

بررسی می‌کنیم.

آنگاه شروع کرده به نقد موارد و دلایل مؤسسه برای لزوم چاپ مجدد، که ما نیز نقد ایشان را بررسی می‌کنیم تا بنگریم چه مقدار از انصاف علمی و حق‌گویی در آن نشان است؟

۱. تصحیح از روی نسخه مؤلف:

مؤسسه قبل از تصحیح، به تحقیق از نسخه‌های وسائل اقدام کرد و قسمت اعظم آن را به خط مؤلف و آخرین نسخه، که معتبرترین آنهاست، یافت. در ضمن تصحیح، به نسخه اول شیخ نیز دست یافتند که با نسخه سوم ایشان؛ یعنی آخرین دست‌نوشته مؤلف تفاوتی دارد و مصححان وسائل برآنند که عکسی از صفحات نسخه اول را در ابتدای جزء نهم بیاورند. افزون بر اینها، نسخه‌های مقابله شده با خط مؤلف نیز، در اختیار بود که در خواندن خط مؤلف کمک شایانی داشت.

نویسنده محترم در بررسی این امتیاز می‌نویسد:

«این که نوشته‌اند ما وسائل را با نسخه اصل، مقابله کرده‌ایم، در مورد اکثر کتاب

صادق است، ولی بخش مهمی از وسائل را به خط شیخ حرّ در اختیار نداشته‌اند؛

یعنی، کتابهای زکات، خمس، صیام، اعتکاف و حج را با نسخه‌ای به غیر از نسخه

اصل مقابله کرده‌اند که اینها، از مهمترین کتب فقهی و حدیثی است و حدود ۵ جلد

وسائل را تشکیل می‌دهد.» (۱۵۱).

۱۸۱ ابتدا یاد آوری کنیم که در مقدمه از آن قسمت‌ها سخن گفته شده است. بعد از چاپ،

خوشبختانه، به توفیق خدای متان، نسخه مؤلف از آن بخشها نیز به دست آمد. اینک، کتاب الزکاة در آخرین بازنگری، براساس نسخه مؤلف، تصحیح می شود. در گفتگوی از این مقوله، مراد این بوده است که: این چاپ بر نسخه مؤلف عرضه شده و چاپ مرحوم ربانی که در هیچ قسمتی بر نسخه مؤلف عرضه نشده و کلاً با واسطه بوده است.

دیگر این که نویسنده محترم از کجا کشف کردند که این کتب، از مهمترین کتابهای فقهی هستند، دلیل اهمیت چیست؟ حتماً چون زمینه انتقاد ایشان را فراهم می کرده است.

جناب نویسنده می گویند:

«آیا این خطای واضح و فاحش در اینجا بخشودنی است.»

گفتیم مراد این است که بالأخره تصحیح مرحوم ربانی با واسطه بوده است، این کجایش خطاست؟ و کجایش نابخشودنی؟

وانگهی شما از کجا کشف کردید چند طلبه عادی این کار را کرده اند. حضرت عالی که عالمی غیر عادی هستید، در اولیات امور تحقیق مانده اید. افزون بر اینها، آنچه مهم است کار است. این دو چاپ را منصفان بنگرند و قضاوت کنند. ما اندکی از موارد مخالف اصل و مصدر را در چاپ ربانی آوردیم، تا بر منصفان حجت باشد.

برادر بزرگوار، شما که در ابتدای نوشته معتقد شدید که مصححان مؤسسه زحمات مرحوم ربانی را یکجا بلعیده اند و به نام خود ثبت کرده اند، یا اندک کار اضافه پس با این حال، این چاپ بر آن چاپ مزیت یافت. اندکی به خود برگردید و در این مرحله از کار و بار نعوذ بالله قصد تنقیص را از سر بیرون کنید.

پرتال گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲. آوردن حواشی مؤلف:

مصححان مؤسسه تمام حواشی مؤلف را در پانوشتها آورده اند و این از امتیاز شایان توجه و مسائل است که نظر فاضلان و محققان را جلب کرده است، جناب نویسنده از فرط علاقه به جرح نوشته اند:

«اولاً بسیاری از حواشی مؤلف نقل معنای یک لغت از کتاب صحاح، یا قاموس یا

نهایه و مانند آن است و ارزش چندانی ندارد و ثانیاً...»

ولی عاقلان و فاضلان دانند که حواشی حرّ عاملی دارای مناقشات فقهی و دلالتی و تحقیقی اند. این حواشی، بروشنی نشانگر عمق قوت علمی، فقهی و حتی اصولی آن بزرگوار تواند بود. این حواشی در حقیقت مکمل وسائل به شمار می آیند و احیاناً در جهت رفع

اشکالات و مسائل است و گاه در صدد تبیین مراد روایات و توفیق بین روایات و...
حال اگر جناب نویسنده (حباً للجرح والنقد) چنین تلقی می کنند خود دانند. حقیقت و
واقعیت با این یافته ها دگرگون نمی شود، بنگرید و قضاوت کنید.
وانگهی، کتاب و مسائل است و حواشی مؤلف آن سزاوارتر به ثبت از هر حاشیه دیگری.
مزایای دیگر:

الف: استفاده از مصادر چاپ جدید:

در این تحقیق، مصادر کتاب همه به مصادر چاپ جدید ارجاع شده است که در سهل
الوصول ساختن آن بسیار مؤثر است.

ب: بهره گیری از روش املائی صحیح و نو:

محققان مؤسسه روش املائی دقیق عربی را بکار گرفته اند و از شیوه های معمول واستوار
بین محققان عرب بهره گرفته اند که این کار در عرضه آثار شیعی به جهان چشم گیر است.
باید یادآوری کنیم که مؤلف اکثر اجزاء کتاب را در جبل عامل نوشته و چون خود از
محصلان و عالمان آن دیار است، در نسخه اصل، املاء عربی را به دقت و صحت به کار
برده است. در چاپ مرحوم ربانی، این امور مراعات نشده است. مؤلف همیشه، مثلاً
«الرحمن» می نویسد و نه «الرحمان». ناهمگونی در تذکیر و تانیث کلمات نیز که در
چاپ مرحوم ربانی، گاه دیده می شود، در نسخه اصل نیست.

۵. تمیز و تخریح آیات:

تمام آیات داخل متن، با حروف سیاه بزرگ چاپ شده و در میان پرانتز قرار گرفته و در
پانوشتها، سور و آیات مشخص شده اند. این کار نیز، در چاپ مرحوم ربانی انجام نشده
است.

۶. نقطه گذاری دقیق:

از امتیازات بسیار مهم تحقیق مؤسسه، استفاده از نقطه گذاری نومستعمل در کتب عربی
است که اثری روشن، در فهم مطلب و درک درست آن دارد. در چاپ مرحوم ربانی، این
امرواقص و نقایص فراوانی دارد که به برخی اشاره کردیم.

اینک، یک بار دیگر، به این سخن جناب نویسنده برگردیم که نوشته اند:

«این مقدار کاری که مؤسسه روی آن انجام داده است ایجاب تجدید چاپ آن را

نمی کرده است.»

به گمان ما، خواننده منصف دانسته است که پس از آن همه نواقص و این همه امتیازات، ۱۸۳

چاپ مجدد آن ضروری بوده است.

اینک، جای آن دارد که بگوئیم: آقای عبدالحسین رحمانی، به مصداق ضرب المثل: «اذا شاعت لك ذب سلاحك» به نقد تصحیح وسائل دست زده اند؛ البته در میان شاگردانش.

در پایان به روح پر فتوح مرحوم آیه الله ربانی درود می فرستیم که در آن وانفسای روزگار و نبود امکانات، کاری به این بزرگی را به دوش کشیدند و به جناب نویسنده و ناشران محترم نقد دو پیشنهاد می آوریم:

۱. به نویسنده محترم:

شما با یاری شاگردان محترم یک متن ۱۰۰ صفحه ای را تحقیق و تصحیح کنید و عرضه کنید، تا هم اثری از آثار عظیم شیعی احیا شود و هم دانسته شود عالمان غیر عادی چه می کنند و چگونه از زوایای تحقیق بهره دارند؟

۲. به مسؤولان محترم مجله حوزه:

اینک که برخلاف شیوه معمول چندین ساله مجله، صفحه نقد باز کرده اید (به شماره ۲۵ ص ۱۴۷) مراجعه بفرمائید که نوشته اید: (... برای یکبار...) خوب است در نقد به دقت بنگرید و آنچه حق است و به رشد علم و تحقیق کمک می کند نشر دهید. شما که با گزارش اغلاط چاپی ۳ صفحه مجله را می گیرید مطمئن هستید که مثلاً همین شماره مجله غلط چاپی ندارد؟ قطعاً نقد و نقادی مفید است و سودمند، ولی چنانچه ملاحظه شد، به جز ۲ یا ۳ مورد که صحیح است و پذیرفتنی، جناب نویسنده هیچ نقد درست و سودمند به متن کتاب نداشت. جای گفتن دارد که چگونه این نقد تصویب و اصلاح شده و عنوان «نقد بر...» گرفته؟ آیا ۲ یا ۳ اشکال بر متن کتاب و چند اشکال جزئی بر مقدمه کتاب، شایستگی چنان عنوانی را داشت!

والله من وراء القصد

والسلام